

کاروان



CARAVAN

دوره شانزدهم فرهنگی سال و پنجم المپیاد ۶۶

شماره ۲۰ / ۱۳۹۵ بهمن



پرونده اختصاصی

فدریکو گارسیا لورکا

Federico garcia lorca

بُرش‌ای از یک زندگی، گفتگو
با شاعر کولی، بازخوانی
اشعار لورکا، خلاصه نمایش
خانه برنارد آلبا، جنایت در
گرانادا بود، مرثیه‌ای برای
لورکا، مکاتبات دالی و لورکا

کاروان هنر و ادبیات امروز

هنر و ابزار نو، ستاره
حیدری، گزارشی از شب
رومن گاری، گزارشی از
شب نیکوس کازانتزاکیس

کاروان

دوماهنامه فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱۹

بهار ۱۳۹۸، ۲۰ هزار تومان

CARAVAN Mehr

Bimonthly cultural Journal
5th year, 19th Issue,
Spring 2019, 20000 Toman



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرزانه قوجلو
سردبیر: فرزانه قوجلو

Licensee & Editor: Farzaneh Ghojaloo

طراح گرافیک: علی بخشی
مدیر داخلی: ستاره حیدری نوری
امور مشترکین: ساحل حیدری نوری
چاپ: چاپ و نشر نظر

Graphic Designer: Ali Bakhshi
Executive Director: Setareh Heidary Noori
In Charge of subscription:
Sahel Heidary Noori
Press: Nazar Press

نشانی پستی: میدان رسالت، بلوار دلاوران، سراج شمالی،
کوچه شهید مسلم شهرابی، پلاک ۵۷، واحد ۵

Tel: +98-21-77373086 / 0912-288-1465
Fax: +98-21-77373086

تلفن: ۷۷۳۷۳۰۸۶ / ۹۱۲۲۸۸۱۴۶۵

فاکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶

پخش کتابفروشی‌ها: فقتوس؛ تلفن: ۶۶۴۰۸۶۴۰

نشانی اینترنتی: www.caravan-mag.com
ایمیل مجله: info@caravan-mag.com
ایمیل سردبیر: ghojaloo20@gmail.com
تلگرام: CARAVANMAG
اینستاگرام: CARAVANMEHR

Website: <http://caravan-mag.com>
Editor email: ghojaloo20@gmail.com
Journal email: info@caravan-mag.com
Telegram: CARAVANMAG
Instagram: CARAVANMEHR

کاروان مهر نشریه‌ای است که هر دو ماه یک بار به معرفی فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را به صندوق پستی نشریه و یا به ایمیل‌های سردبیر و مجله ارسال کنید.

Caravan Mehr, a journal being published every two months, introduces Persian and world culture & literature. If you are interested in sending articles to us, you may dispatch them to our P.O.Box or send them via emails of Editor and journal.



فدریکو گارسیا لورکا

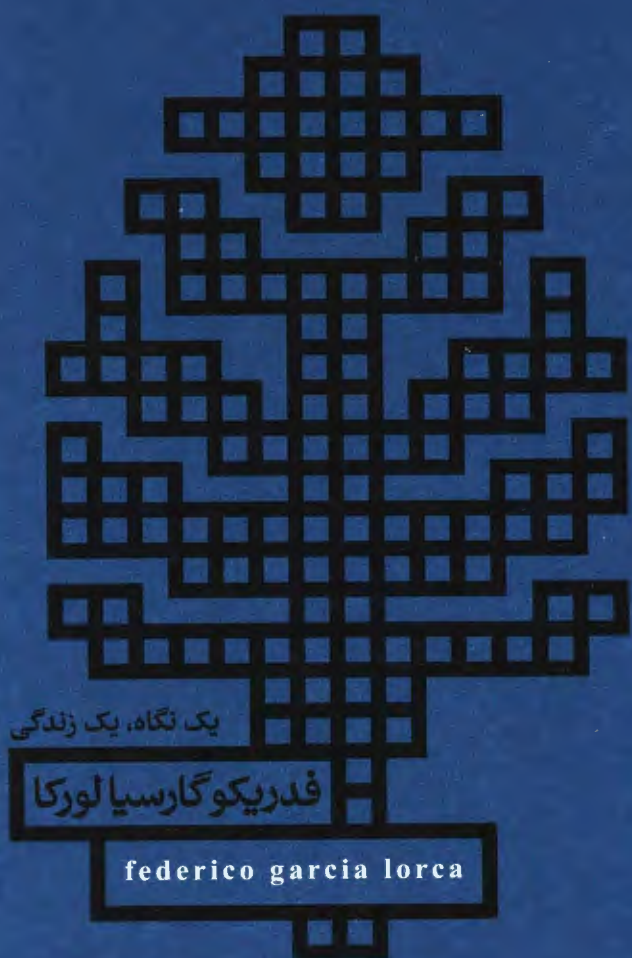
federico garcia lorca

۷	سرمقاله
۱۰	بُرنشی از یک زندگی / لزللی آن استین تین / گلبرگ برزین
۳۴	گفتگو با شاعر کولی / خوان د آلفارچه / امیر نادر الهی
۴۶	بازخوانی اشعار لورکا: احمد شاملو / بیژن الهی / احمد پوری / فؤاد نظیری
۶۰	یک شعر با سه ترجمه: / بیژن الهی / احمد پوری / فؤاد نظیری
۶۶	خلاصه نمایش خانه برنارد آلبا / ترجمه: خجسته کیهان
۷۸	جنایت در گرانا دا بود / پابلو نرودا / هوشنگ پیرنظر
۸۶	سرانجام روزی خواهد رسید / لوئی آراگون / حامد فولادوند
۸۸	مکاتبات سالوادور دالی و فدریکو گارسیا لورکا / فرزانه قوجلو

کاروان هنر و ادبیات امروز

۱۰۰	هنر و ابزار نو / ستاره حیدری
۱۰۲	سرو روان / گفت وگو با پیمان هدایتی فر
۱۱۱	گزارشی از شب رومن گاری / آسیه عزیزی
۱۲۴	گزارشی از شب نیکوس کازانتزاکیس / پریسا احدیان





یک نگاه، یک زندگی

فدریکو گارسیا لورکا

federico garcia lorca



دوره‌ی صحافی‌شده‌ی مجله‌ی کاروان

سال سوم و چهارم، شماره‌های ۱۸-۱۳

۱۱۰ هزار تومان





سرمقاله

لورکا چکیده‌ی اسپانیا

فرزانه قوجلو

در میان شاعران اسپانیایی زبان شهرت هیچ یک همچون فدريكو گارسيا لورکا عالمگیر نیست. پدرش کشاورز بود و توانگر و مادرش از خاندانی برجسته نسب می‌برد. بزرگ‌ترین فرزند بود. مادر که آموزگار بود آموزش اولیه فرزند را در خانه برعهده گرفت. فدريكو در روستا بالید و با سنت‌های اندلسی مأنوس شد و به آن دل بست. آهنگ‌های عامیانه و افسانه‌ها را آموخت و بر غنای درونش افزوده شد. او که عمیقاً دلبسته‌ی موسیقی بود نواختن پیانو و گیتار را یاد گرفت. او که دانشگاه‌های غرناطه و مادرید را نیمه رها کرده بود، هر چه آموخت از زندگی با مردم و هم‌نشینی با دوستان و هنرمندان و محیط روستایی پیرامونش بود.

لورکا در مقام نمایشنامه‌نویس برخی از بهترین نمایشنامه‌های قرن بیستم را نوشته است. لورکا به روزگاری می‌زیست که آن را

عصر نقره‌ای ادبیات اسپانیایی زبان می‌دانند. و گرچه زندگی سراسر ماجرایش در اسپانیای پرتلاطم و مرگ تلخش در پایان سومین دهه از زندگی‌اش او را شهره ساخت، آنچه لورکا را به شهرت ماندگار رساند، شعرهایی بود که از همان نخستین روزهای سرایش به زبان‌های مختلف ترجمه شد و نیز نمایشنامه‌هایی که بی‌درنگ در سالن‌های تئاتر اروپا به اجرا درآمد.

در سال‌هایی که جمهوری اسپانیا در گردابی هولناک دست و پا می‌زد و ژنرال فرانکو هر روز قدرت بیشتری می‌گرفت، سفیران کلمبیا و مکزیک که مرگ قریب‌الوقوع شاعر را پیش‌بینی می‌کردند، به او پیشنهاد کردند که در تبعیدی خودخواسته اسپانیا را ترک کند، لورکا پیشنهاد آنان را نپذیرفت و عازم گرانادا شد تا تابستان را در آن جا بگذراند. در آن دوران سخت سیاسی، کسی از او درباره‌ی تمایلاتش پرسید و لورکا در پاسخ گفت که کاتولیک است و کمونیست، آنارشیزت است و آزادیخواه، سنت‌گراست و سلطنت‌طلب. او هرگز به هیچ یک از احزاب سیاسی نیوست و هیچ گاه به دلایل سیاسی کسی را به دوستی برنگزید یا با دوستی پیمان نگست.

نیز می‌گفت که عمیقاً اسپانیایی است و نمی‌تواند در جایی خارج از محدوده‌های جغرافیایی آن زندگی کند. به همه اطمینان می‌داد که با همه دوست و برادر است و به مرزهای سیاسی اعتقادی ندارد. سرانجام لورکا که زندگی را سوداوار دوست داشت و به همه عشق می‌ورزید، فرجامی تلخ در کامش کشید. می‌گویند جایی در viznar، بر تپه‌های بیرون غرناطه، به دست گروهی ناشناس کشته شد. و پیکرش نیز جایی در همان منطقه به خاک سپرده شد. اما شاعر مرگ خود و مدفنش را که هرگز به درستی پیدا نشد چنین پیشگویی کرده بود:

...دیدم که مرا کشته‌ند،

چایخانه‌ها گشتند، گورستان‌ها و کلیساها،

بشکه‌ها گشودند و گنجه‌ها،

بر سه اسکلت دستبرد زدند

که دندان طلا برابند.

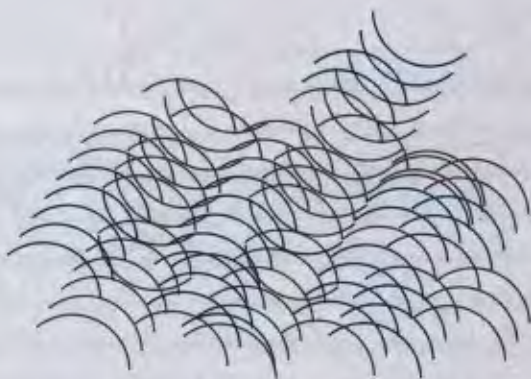
اما مرا نیافتند.

مرا نیافتند؟

نه، مرا نیافتند.^۱

لورکا در ایران از شناخته‌شده‌ترین و محبوب‌ترین شاعران اروپایی است. نخستین بار بیژن الهی شعرهای لورکا را در دفتری گرد آورد که یدالله رؤیایی، بهمن فرزانه و خود او اشعار را به فارسی برگردانده بودند و کتاب توسط مؤسسه انتشارات کبیر به سال ۱۳۴۷ منتشر شد و سپس انتشارات گوتنبرگ در ۱۳۵۳ ترانه‌های کولی او را با ترجمه رضا معتمدی به چاپ رساند. و پس از آن احمد شاملو در ۱۳۵۹ ترانه شرقی و دیگر اشعار را ترجمه کرد و به صورت نوار کاست بیرون داد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. و بعد از آن نمایشنامه‌های عروسی خون، یرما، خانه برنارد آلبا را در ۱۳۸۰ ترجمه کرد که نشر چشمه به چاپ رساند. و نجف دریابندری نیز در ۱۳۸۲ به ترجمه خانه برنارد آلبا در ۱۳۸۲ روی آورد و ناشرش نشر کارنامه بود. و در سال‌های بعد نیز دیگر مترجمان به سراغ اشعار و نمایشنامه‌های لورکا رفتند. پس از آن آخمتووا، مارینا تسه‌تایوا و اینگه بورک باخمن از یک سو، و سهراب سپهری و فروغ فرخزاد از سوی دیگر، لورکا ششمین شاعری است که برگزیده‌ایم تا در صد و بیست و یکمین زادروز این شاعر و نمایشنامه‌نویس بلندآوازه نگاهی داشته باشیم به زندگی و آثارش چرا که نمی‌توان به جهان شعر رفت بی آن که به عمارت پرشکوه لورکا سر نزد. شاید از همین روست که امروز ترجمه‌هایی فراوان از اشعار و نمایشنامه‌هایش در دست مخاطب فارسی زبانی است که به راستی دل در گرو شعر دارد.

فرزانه قوجلو / اردیبهشت ۱۳۹۸



برشی از یک زندگی

لزلی آن استین تن
ترجمه گلبرگ برزین

فدریکو گارسیا لورکا، ۵ ژوئن ۱۸۹۸ در شهر فوئنته واکروس، استان گرانادا در اسپانیا زاده شد و در تاریخ ۱۸ یا ۱۹ اوت ۱۹۳۶ در جایی میان شهرهای ویزنار و آلفاکار در استان گرانادا درگذشت. او شاعر و نمایشنامه‌نویس اسپانیولی است که به رغم تنها ۱۹ سال کار حرفه‌ای اساسی‌ترین ویژگی‌های شعر و نمایش را در اسپانیا احیا کرده، جان تازه‌ای بخشید. او در درجه اول برای آثار آندلسی‌اش شناخته شده است، از جمله مجموعه شعر «آوازهای کولی» (۱۹۲۸) و «زاری برای ایگناسیو سانچز مخیاس» (۱۹۳۵) و تراژدی‌های «عروسی خون» (۱۹۳۳)، «یرما» (۱۹۳۴) و «خانه برناردا آلبا» (۱۹۳۶). در اوایل دهه ۱۹۳۰ لورکا از عوامل اصلی آغاز دومین دوران طلایی تئاتر اسپانیا بود. در نخستین ماه‌های جنگ داخلی اسپانیا، او توسط جوخه آتش پارتیزان‌های ملی تیرباران شد.



لوکا درس یک سالگی

عکاسی‌های لوکا در مدرسه‌ی شهر فونته واکروس





لوکاس در سن شش سالگی



سال‌های نخست

پدر لورکا ملاکی متمول و مادرش آموزگار بود. او پسر ارشد از چهار فرزند آنها بود. در بخش روستایی آندلس بزرگ شد، و تصاویر و شرایط اجتماعی آن منطقه در تمام عمر آثار او را تحت تأثیر قرار داد. در ده سالگی با خانواده‌اش به گرانادا نقل مکان کرد و در آنجا به یک آموزشگاه خصوصی سکولار و یک مدرسه ملی کاتولیک رفت. لورکا در دانشگاه گرانادا نام‌نویسی کرد. او دانشجوی نگون‌بختی بود که به خاطر استعداد فوق‌العاده‌اش در نواختن پیانو زبانزد بود و پس از ۹ سال دوره کارشناسی را به پایان برد. با وجودی که موسیقیدان و آهنگساز شدن را آینده خود می‌دید، در پایان دوران نوجوانی به نوشتن روی برد. نخستین تجربه‌هایش در نظم و نثر و داستان‌نویسی، نشان از احساسات ناخوش‌روانی و جنسیتی دارد، به علاوه عشق و علاقه نوجوانانه به نویسندگانی چون شکسپیر، گوته، آنتونیو مآچادو شاعر اسپانیولی و روبن داریو شاعر نیکاراگوآیی و پدر مدرنیسموی هیسپانیک^۲.

خانواده‌ی لورکا، ۱۹۱۲

